

سؤال/جواب ۱: چرا ابراهیم (ع) فقط ستاره و ماه و خورشید را دید؟

سؤال/ ۲: لماذا رأى إبراهيم (ع) كوكباً وقمرًا وشمساً فقط؟
پرسش ۲: چرا ابراهیم (ع) فقط ستاره و ماه و خورشید را دید؟

الجواب: الشمس رسول الله ، والقمر الإمام علي (ع) ([60])، والكوكب الإمام المهدي (ع) ([61]).

پاسخ: خورشید، پیامبر خدا (ص) است، و ماه، امام علی (ع) ([62]) و ستاره، امام مهدی (ع) می باشد. ([63])

والشمس والقمر والكوكب في الملكوت كانت تجلي الله في الخلق، ولهذا اشتبه بها إبراهيم (ع) ولكن كل بحسبه. واختص محمد وعلي والقائم بأنهم تمام تجلي الله في الخلق في هذه الحياة الدنيا؛ لأنهم مُرسَلين وليس فقط مُرسَلين.
خورشید و ماه و ستاره در ملکوت، تجلی خدا در خلق می باشند و به همین دلیل امر بر ابراهیم (ع) مشتبه شد؛ لیکن هر کدام به فراخور حال خود. آن حضرت، محمد و علی و قائم (ع) را به طور خاص ذکر می کند؛ چرا که آن ها غایت تجلی خدا در خلق، در این زندگی دنیوی می باشند؛ زیرا آن ها مرسل (ارسال کننده) هستند، و نه فقط مرسل (ارسال شده).

ولأن محمداً هو صاحب الفتح المبين، وهو الذي فتح له مثل سم الإبرة، وكشف له شيء من حجاب اللاهوت، فرأى من آيات ربه الكبرى ([64]). وهو مدينة العلم ([65])، وهي صورة لمدينة الكمالات الإلهية أو الذات الإلهية.
و از آنجا که حضرت محمد (ص) صاحب فتح المبین است و او کسی است که چیزی شبیه سوراخ سوزنی برایش گشاده شد و چیزی از حجاب لاهوت برایش کنار رفت، و از نشانه های بزرگ پروردگارش را دید. ([66]) او همان شهر علم است؛ ([67]) شهری که صورت کمالات الهی یا ذات الهی می باشد.

أما علي فلأنه باب مدينة العلم، وهو جزء منها، وكل ما يفاض منها يفاض من خلاله. فمحمد تجلي الله سبحانه وتعالى، واسم الله سبحانه في الخلق، وعلي ممسوس بذات الله ([68])، فعندما لا يبقى محمد، ولا يبقى إلا الله الواحد القهار في

آیات، ی‌کون علی علیه صلوات ربی هو تجلی الله سبحانه فی الخلق، وفاطمة علیها صلوات ربی معه، وهی مخصوصة بأنها باطن القمر وظاهر الشمس. ولهذا قال علی (ع): (لو كشف لی الغطاء لما ازددت یقیناً) ([69]); لأنه وإن لم یكشف له الغطاء، ولكنه بمقام من كشف له الغطاء.

اما علی (ع)، از آنجا که باب شهر علم است، بخشی از آن به شمار می‌رود، و هر آنچه از آن افاضه می‌شود از طریق او می‌باشد. محمد (ص) تجلی خدای سبحان و متعال و اسم خداوند سبحان در خلق است و علی ممسوس به ذات الهی است. ([70]) هنگامی که محمد (ص) باقی نمی‌ماند، و در لحظاتی جز خدای واحد قهار چیز دیگری باقی نمی‌ماند، علی که صلوات پروردگارم بر او باد، تجلی خدای سبحان در خلق می‌باشد و فاطمه که صلوات پروردگارم بر او باد نیز همراه او است. و حضرت فاطمه (س) با او خواهد بود. ایشان به عنوان باطن ماه و ظاهر خورشید اختصاص داده شده است. و از همین رو علی (ع) می‌فرماید: «اگر پرده از پیش روی من برداشته شود، چیزی بر یقینم افزوده نگردد»؛ ([71]) چرا که ایشان در مقام کسی است که پرده از جلوی او برداشته شده، هر چند پرده در حقیقت از جلوی آن حضرت برداشته نشده باشد.

أما القائم (ع) فهو تجلی اسم الله سبحانه وهو حی وقبل شهادته؛ لطول حیاته وطول عبادته مع کمال صفاته وإخلاصه، فهو یصل صلاته بقتوته وقنوته بصلاته، وكأنه لا یفتر عن عبادة الله سبحانه. ولأنه الجالس علی العرش یوم الدین آی یوم القيامة الصغری، وفي القرآن الیوم المعلوم. ولأنه الحاکم باسم الله بین الأمم فی ذلك الیوم، فلا بد أن یكون مرآة تعکس الذات الإلهیة فی الخلق لیكون الحاکم هو الله فی الخلق، فیکون کلام الإمام (ع) هو کلام الله، وحکمه هو حکم الله، وملك الإمام (ع) هو ملك الله سبحانه وتعالی، فیصدق فی ذلك الیوم قوله تعالی فی سورة الفاتحة: (ملك یوم الدین)، ویکون الإمام (ع) فی ذلك الیوم عین الله، ولسان الله الناطق، وید الله ([72]).

امام قائم (ع) تجلی اسم خدای سبحان است، آنگاه که زنده است و پیش از شهادتش؛ و این به جهت طول حیات آن حضرت و طول عبادت او با کمال صفاتش و اخلاص او می‌باشد. آن حضرت نمازش را به قنوتش متصل می‌کند و قنوتش را به نمازش؛ گویی از عبادت خدای سبحان خسته و ملول نمی‌گردد؛ و از آنجا که در روز دین یعنی روز قیامت صغری و آن‌طور که در قرآن ذکر شده است، روز معلوم، او بر عرش نشسته است، و از آنجا که حاکم به نام خدا بین ملت‌ها در آن روز می‌باشد، حتماً باید آینه‌ای باشد که ذات الهی را در خلق منعکس می‌گرداند تا حاکم، همان خداوند در خلق باشد و به این ترتیب سخن امام (ع) همان سخن خداوند، و حکم او حکم خدا، و سلطنت امام (ع) سلطنت خدای سبحان و متعال باشد و در آن روز آن حضرت، مصداق کلام خداوند متعال در سوره‌ی فاتحه که می‌فرماید: (ملك یوم الدین) (آن فرمان‌روای روز جزا) می‌باشد. در آن روز امام (ع) چشم خدا و زبان گویای خدا و دست خداوند می‌باشد. ([73])



[60]- عن أبي بصير عن أبي عبد الله (ع) قال: سألته عن قول الله: (والشمس وضحاها) قال: الشمس رسول الله أوضح الله به للناس دينهم، قلت: (والقمر إذا تلاها) قال: ذاك أمير المؤمنين (ع)، قلت: (والنهار إذا جلاها) قال: ذاك الإمام من ذرية فاطمة عليها السلام، يسأل رسول الله فيجلي لمن سأله، فحكى الله سبحانه عنه فقال: (والنهار إذا جلاها). قلت: (والليل إذا يغشاها) قال: ذاك أئمة الجور الذين استبدوا بالأمر دون آل رسول الله وجلسوا مجلساً كان آل رسول الله أولى به منهم، فغشوا دين رسول الله بالظلم والجور، وهو قوله: (والليل إذا يغشاها) قال: يغشي ظلمة الليل ضوء النهار...) بحار الأنوار: ج 24 ص 70. وعن ابن عباس قال: قال رسول الله: (مثلي فيكم مثل الشمس ومثل علي مثل القمر، فإذا غابت الشمس فاهتدوا بالقمر) بحار الأنوار: ج 24 ص 76.

[61]- الإمام المهدي (ع) إذا قرن مع رسول الله والإمام علي وفاطمة الزهراء والحسن والحسين ... فهو الكوكب الدري، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه عن أمير المؤمنين (ع) قال: (قال رسول الله: لما اسري بي إلى السماء أوحى إلي ربي (عزوجل) إلى أن قال: فقال (ع): ارفع رأسك فرفعت رأسي وإذا أنا بأنوار علي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين، ومحمد بن علي، وجعفر بن محمد، وموسى بن جعفر، وعلي بن موسى، ومحمد بن علي، وعلي بن محمد؟ والحسن بن علي، و"م ح م د" بن الحسن القائم في وسطهم كأنه كوكب دري، قلت: يا رب ومن هؤلاء؟ قال: هؤلاء الأئمة وهذا القائم الذي يحلل حلالي ويحرم حرامي وبه أنتقم من أعدائي، وهو راحة لأوليائي، وهو الذي يشفي قلوب شيعتك من الظالمين والجاحدين والكافرين....) كمال الدين وتمام النعمة: ص 252.

[62]- از ابو بصير نقل شده است: از ابو عبدالله (ع) در مورد اين سخن خداوند متعال (سوگند به خورشيد و برآمدن آفتابش) سؤال کردم. فرمود: «خورشيد، رسول خدا ص است که خداوند با او دين مردم را برايشان واضح می گرداند». عرض کردم: (و سوگند به ماه چون از پي آن برآيد). فرمود: «امير المؤمنين (ع) است». عرض کردم: (و سوگند به روز چون آن را روشن کند). فرمود: «منظور امام از نسل فاطمه س است که از دين رسول خدا پرسیده می شود و برای کسی که پرسیده است، روشن می کند، و خداوند حکایت می کند: (و سوگند به روز چون آن را روشن کند)». عرض کردم: (و سوگند به شب چون پوشدش). فرمود: «منظور امامان جور و ستم هستند؛ کسانی که به جای آل محمد ع مستبدانه حکومت کردند و بر جایگاهی که آل رسول خدا ص به آن سزاوارتر بودند، تکیه زدند و دين رسول خدا ص را با ظلم و ستم پوشانیدند و اين همان سخن خداوند متعال است که (و سوگند به شب چون فرو پوشدش)» و فرمود: «ظلم آن ها نور روز را پوشانید....». بحار الانوار: ج 24 ص 70. از ابن عباس روایت شده است: رسول خدا ص فرمود: «مَثَل من بين شما مانند خورشيد و مَثَل علی، مانند ماه است. هنگامی خورشيد پنهان شد، با ماه هدایت جوييد». بحار الانوار: ج 24 ص 76.

[63] - اگر امام مهدی (ع) با رسول خدا ص و امام علی و فاطمه‌ی زهرا و حسن و حسین ع... مقارنه شود، چون ستاره‌ای درخشان می‌باشد. از امام صادق جعفر بن محمد (ع) از پدرانش ع از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: «رسول خدا ص فرمود: هنگامی که به آسمان برده شدم پروردگارم به من وحی فرمود... تا اینکه فرمود: خدای عزوجل فرمود: سر بلند کن. سر بلند کردم و ناگاه انوار علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و «م ح م د» بن الحسن قائم را دیدم که در وسط آن‌ها مانند ستاره‌ای درخشان بود. عرض کردم: پروردگار اینها کیانند؟ فرمود: اینها امامان اند و این همان قائمی است که حلال مرا حلال و حرام مرا حرام کند و به وسیله‌ی او از دشمنانم انتقام گیرم و او مایه‌ی راحتی دوستان من است و او است که دل شیعیان را از ظالمان و منکران و کافران شفا می‌دهد...». کمال الدین و تمام النعمه: ص 252.

[64]- ورد عن الإمام الصادق (ع) في حديث المعراج : (... إلى أن يقول : ... فنظر في مثل سم الإبرة إلى ما شاء الله من نور العظمة ، فقال الله تبارك وتعالى: يا محمد، قال : لبيك ربي، قال : ... الكافي : ج 1 ص 443.

[65]- ورد عن الرسول الحديث المعروف : (أنا مدينة العلم وعلي بابها ...).
[66] - از امام صادق (ع) در حدیث معراج روایت شده است: «... تا اینکه فرمود: ... پیامبر گویی به اراده‌ی خدا، از چیزی شبیه میان سوراخ سوزن به نور عظمت الهی نگریست. خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای محمد! گفت: لبيك، پروردگارم. فرمود: ...». کافی: ج 1 ص 443.

[67] - از رسول خدا ص روایت شده است: «من شهر علم و علی درب آن است...».

[۶۸] - هذا التفسير يوضح لنا قول الرسول في حق أمير المؤمنين (ع): (لا تسبوا علياً فإنه ممسوس بذات الله) الغدير - الشيخ الأميني : ج 10 ص 213.

[69]- المناقب لابن شهر آشوب : ج 1 ص 317.

[70] - این تفسیر گفتار رسول خدا ص در حق امیرالمؤمنین (ع) را برای ما آشکار می‌کند: «به علی دشنام ندهید که او ممسوس به ذات خداوند است». غدير - شيخ اميني: ج 10 ص 213.

[71] - مناقب ابن شهر آشوب: ج 1 ص 317.

1- عن الإمام الصادق (ع) في كلام طويل مع المفضل بن عمر: (... بل يا مفضل يسند القائم (ع) ظهره إلى الحرم، ويمد يده فترى بيضاء من غير سوء ويقول: هذه يد الله، وعن الله، وبأمر الله، ثم يتلو هذه الآية : " إن الذين يباعدونك إنما يباعدون الله يد الله فوق أيديهم فمن نكث فإنما ينكث على نفسه "... بحار الأنوار : ج 53 ص 8.

[73]- در گفتگویی طولانی با مفضل بن عمر از امام صادق (ع) روایت شده است: «... ای مفضل! بلکه قائم پشتش را به حرم تکیه می‌دهد و دستش را بیرون می‌آورد که آن را سفید بدون هیچ عیب و نقصی می‌بینی در حالی که می‌فرماید: این دست خداوند و از جانب خداوند و به امر خداوند است. سپس این آیه را تلاوت می‌کند: (آنان که با تو بیعت می‌کنند جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند. دست خدا روی دست‌هایشان است و هر که بیعت بشکند، به زیان خود شکسته است)....». بحار الانوار: ج 53 ص 8.